رهنما
آستان قدس رضوی
۴۲

دام خرافات و کمند رهایی از آن

احمد قاسمی



بسم الله الرحمن الرحیم

رهنما ۴۲ (دام خرافات و کمند رهایی از آن)

نویسنده:

اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهنما۴۲ (دام خرافات و کمند رهایی از آن)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : دام خرافات و کمند رهایی از آن: نگاهی به دیدگاه های روشنگرانه رهبر معظم انقلاب درباره خرافه گرایی/ گردآورنده معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی[آستان قدس رضوی].

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی،۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۳۰ص.؛۱۱×۱۷س م.

فروست : رهنما.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۴۳-۷۱-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه .

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع : خرافات -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره : BP۲۷۲/۸ /خ۴ د۲ ۱۳۹۱

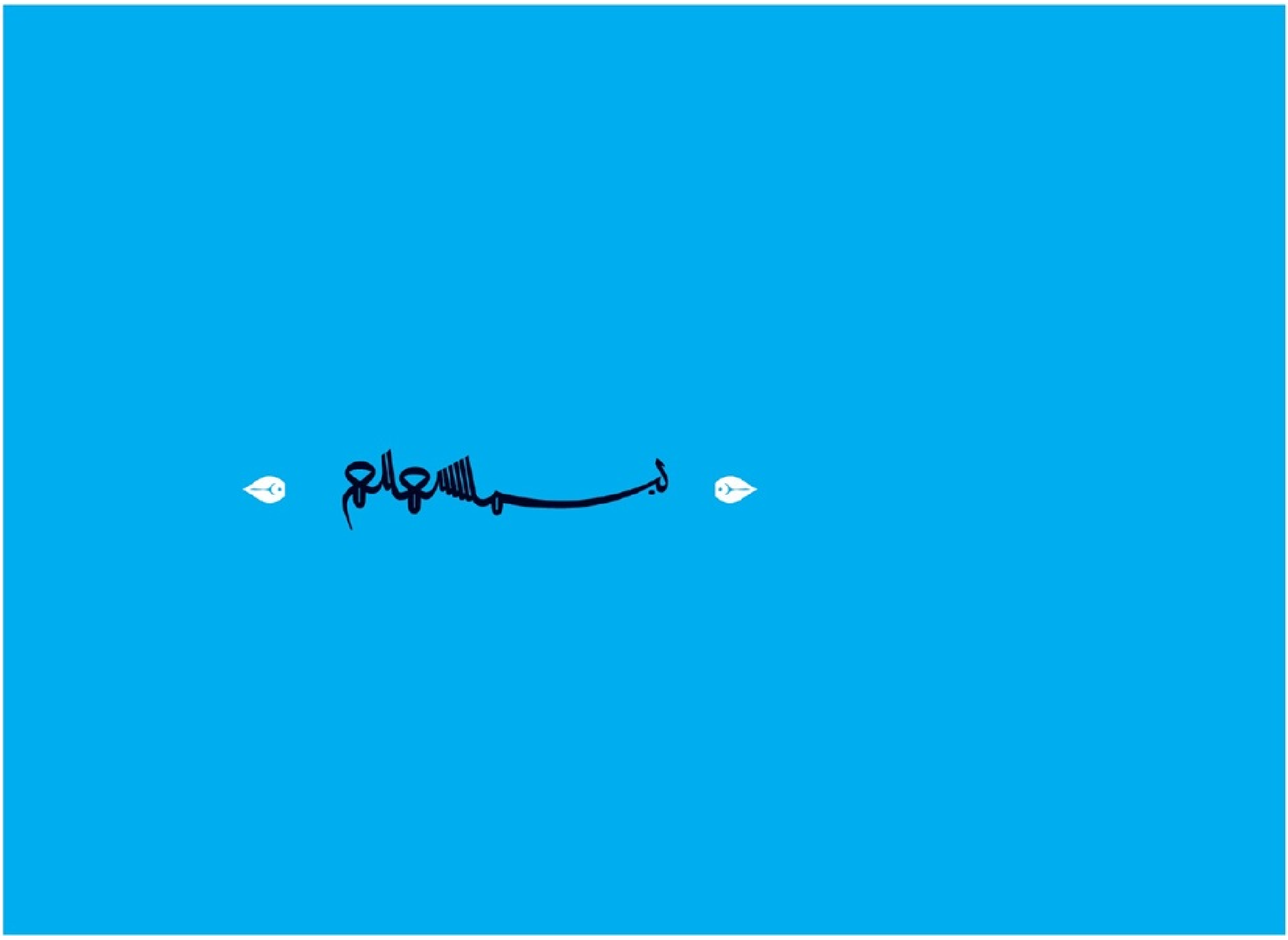
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۶۶۹۱۴

ص:۱

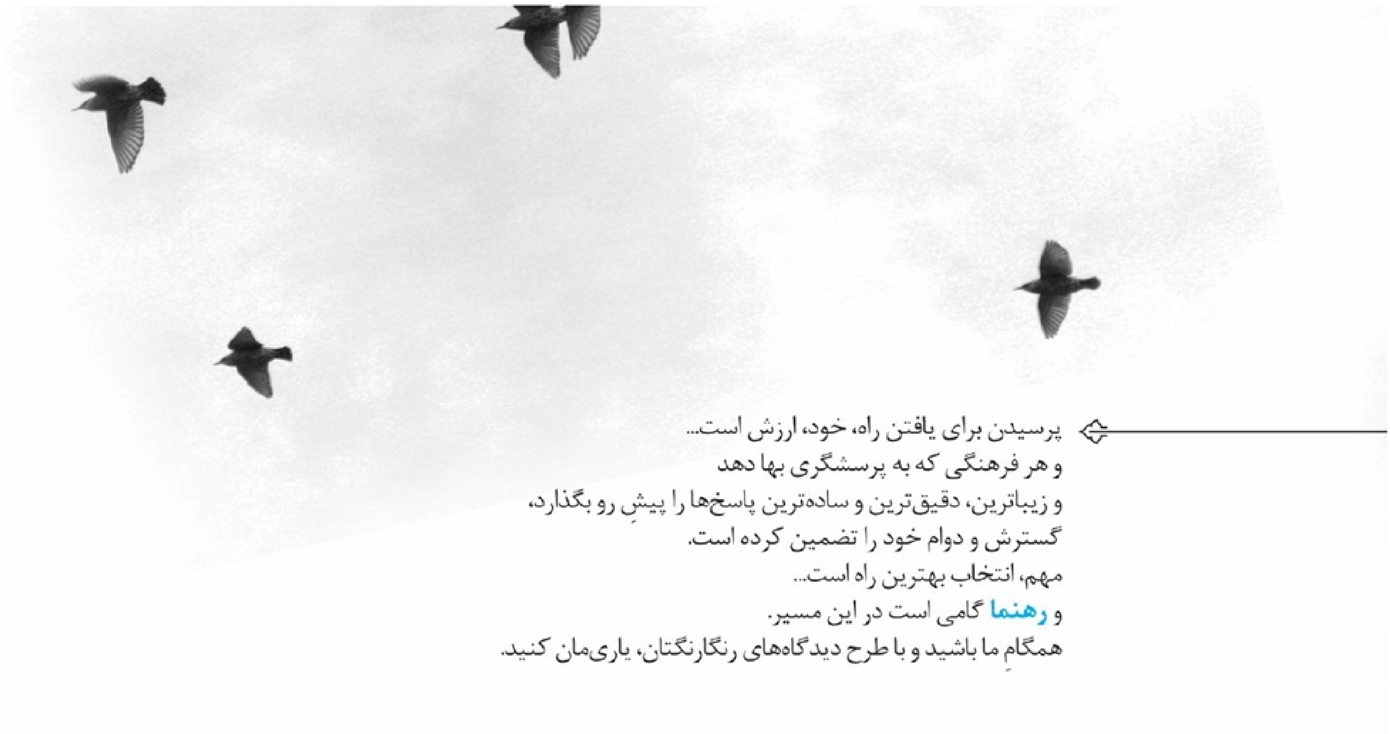
اشاره

تصویر



ص:۲

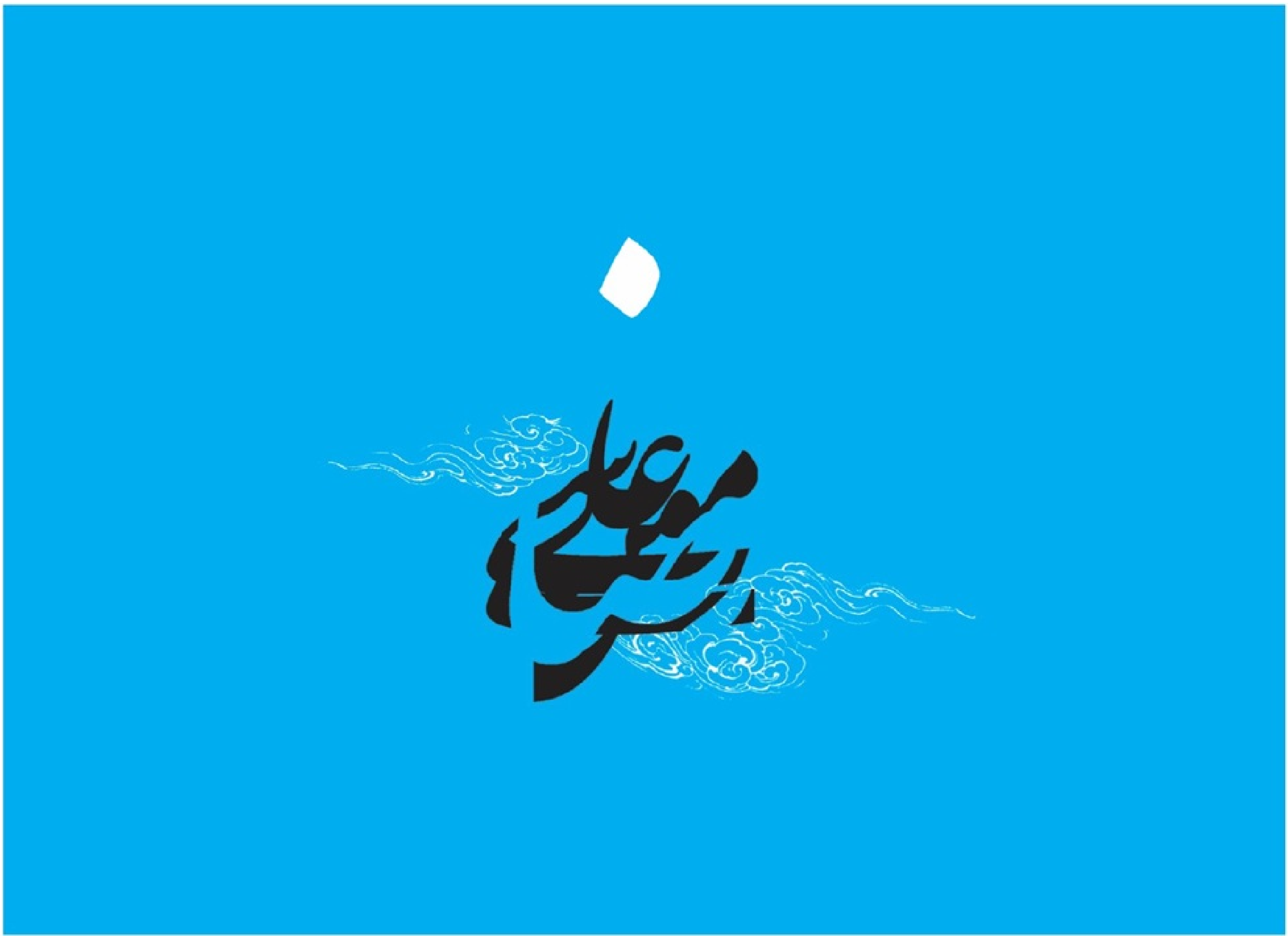
تصویر



ص:۳

دام خرافات و کمندِ رهایی از آن

تصویر



ص:۴۰

دام خرافات و کمندِ رهایی از آن

نگاهی به دیدگاه های روشنگرانهٔ رهبر معظم انقلاب، دربارهٔ خرافه گرایی

؟: خرافه چیست و ردّ پایش در تاریخِ مسیحیت و اسلام، تا کجاها دیده می شود؟

؟: ضرورت خرافه زدایی در نظرگاه قرآن و پیامبر چیست و راهکارهای آنان کدام است؟

؟: با انواع خرافه گرایی، خصوصاً بدعت های رایج در عزاداری ها، آشنا شویم.

؟: خرافات و بدعت ها، مثلاً عمل زشتی مانند قمه زدن، چه آثار مخرّبی بر چهرهٔ شیعه، در بُعد جهانی، می گذارد؟

؟: اگر کسی را مدّعیِ ارتباط با امام زمان و عالَم غیب دانستند، چرا باید او را تکذیب کرد؟

؟: بزرگان و عالِمانِ شیعه در راهِ ریشه کنی و رفع خرافات و ادّعاهای دروغ گویان، چه تلاش هایی کرده اند؟

ص:۵

اشاره

خرافات در دین اسلام امری مردود است و یکی از اقدامات مهم پیشوایان دینی، در دوران رسالت و امامتشان، مبارزه با جهالت، خرافه و انحراف بوده است. جدال با تفسیرهای ناسازگار از دین، همچنان سرلوحهٔ همّتِ هادیان امّت است و در نظام جمهوری اسلامی ایران، ولی فقیه به عنوان رکن رکین قانون اساسی، در صف اول پیکار با جهالت و نادانی قرار دارد. آنچه در ادامه می آید، مروری بر بیانات رهبری دربارهٔ خرافه گرایی است که از نظر شما می گذرد.(۱)

ص:۶

۱. ماهیت و تعریف خرافه

۱- . این نوشتار به نقل از نشریهٔ سراب، ضمیمهٔ روزنامهٔ جام جم، مرداد۱۳۸۸، تقدیم می شود.

تصویر

۱. ماهیت و تعریف خرافه

بعضـی هسـتند که حقایق دینی را به عنوان خرافه انکار می کننـد؛ آن ها را کاری نداریم. آنچه با کتاب و سـنّتِ مُتقَن و معتبر ثابت شده است، این برای دین است؛ چه عقول بپذیرنـد یـا نپذیرنـد. از این، حمـایت و دفاع کنیـد. آنچه با دلیل معتبر ثابت نشـده است و معارضه ای با مبانی و اصول دین نـدارد، در مقابلِ آن سـکوت کنیـد. آنچه معارضه ای با یکی از اصول دین داشـته و مدرک معتبری ندارد، آن را رد کنید: این می شود خرافه. معیار خرافه این است.

امروز شـما ببینید مدّعیان ارتباط با امام زمان و مدّعیان ارتباط با غیب، در جامعه، با شـکل های مختلف کار می کنند. البته این نشانهٔ این اسـت که گرایش به دین، عنصری اصلی در زندگی مردم است. مردم به مسائل دینی علاقه دارند که آدمِ خرافه ساز می رود و خرافه می سازد. چون کالای اصلی در دست او نیست، کالای تقلّبی را به میدان می آورد، برای اینکه مردم را جذب کند؛ این نشانهٔ گرایش مردم به دین است.

در مقابله با خرافات و در مقابله با آن چیز هایی که از دین نیست، باید ایستاد [و تذکر

داد.] ملاحظۀ اینکه حالا کسی بدش بیاید [جایز نیست] و غالباً در مواردی، متأسفانه، انسان می بیند که این مراعات ها وجود دارد.(۱)

ص:۹

۱- . ۱۸/۸/۸۵.

تصویر



ص:۱۰

۲. تاریخچهٔ خرافه گرایی

۲-۱ خرافه در همهٔ دوران های بشری

تصویر

۲. تاریخچهٔ خرافه‌گرایی

اگر کسی تاریخ را ملاحظه کند، خواهد دید که در آن دوران، همهٔ بشریت اسیر بودند؛ همان طور که در کلام امیرالمؤمنین است که «فِی فِتَنٍ دَاسَتْهُمْ بِأَخْفَافِهَا وَ وَطِئَتْهُمْ بِأَظْلَافِهَا وَ قَامَتْ عَلَی سَنَابِکِهَا». درنهایتِ فتنه و فشار و مشکلات و برادرکشی، بشر زندگی تلخی را می گذرانْد. نَوْمُهُمْ سُهُود»، در همین خطبه، امیرالمؤمنین می فرمایند: «خواب راحت به چشمِ مردم نمی آمد.»

اشتباه است اگر کسی خیال کند که این مشکلات، مخصوص همان جزیرهالعرب بوده است؛ نه. در مهد تمدّن آن روز دنیا، یعنی در کشور روم هم که شما نگاه می کنید، همین حرف ها بود. آنجا هم که آن روز، به اصطلاح، ادعا می کردند دمکراسی و مجلس سِنا دارند، استعدادها و فسادهایی بر مردم حاکم بود که شما وقتی کتاب آن را بخوانید، خجالت می کشید.

انسان شرم می کند که بشر در روزگاری، دچار چنین انحطاطی بوده است. ایران باستان

ص:۱۲

ما هم، از این جهت، بهتر از روم نبود: این ها قـدرت و شمشـیر و نیزه و جنگاوری و سـلحشوری و از این چیزها داشـتند؛ اما، اختلاف طبقاتی و ظلم و تبعیض و فساد و زور گویی و جهل و خرافه هم، بی حد و اندازه داشتند.(۱)

۲-۲ خرافه گرایی در دین مسیحیت

قرون وُسطی فقط دوران جهالت و بـدبختی اروپاست و تعمیم دادنِ آن به دنیا، چیزی از حقیقت کم نمی کنـد؛ زیرا در همان زمان، یعنی قرن های چهارم و پنجم و شـشم هجری، کشورهای اسـلامی و در رأس همـهٔ آن ها، ایران، در اوج شـکوفاییِ تمـدن اسـلامی قرار داشـتند. بنابراین دین، مانعی در راه علم محسوب نمی شود و آنچه مانع از پیشرفت علمی در اروپا شد، جهالت های گوناگون و خرافاتِ منتسب به

ص:۱۳

۱- . ۱۵/۳/۸۶.

مسیحیت بود. در دورهٔ اسلامی، هیچ گاه یک عالم به جُرم علم، مورد اهانت قرار نگرفت؛ اما در اروپا، به جُرم علم، عده ای را کشتند، دار زدند، سنگسار کردند یا به آتش کشیدند.

عالمان و دانشمندانِ بزرگ در ایران، به جز موارد بسیار معدودی، در زمرهٔ علمای بالله هستند. در این کشور، علم و دین با هم پیش رفته اند و دین در باز کردن راه پیشرفت، به علم کمک کرده است. کسانی که در سال های پس از انقلاب اسلامی، به مدارج بالای علمی در سطح جهان دست یافتند، عموماً با قرآن کریم مأنوس و با مسائل دینی آشنا بوده اند.(۱)

۳-۲ خرافه گرایی در جامعهٔ غرب

در دو قرن اولِ تجدید حیات صنعتی اروپا که به علم روی آورده بودند، تصور این شد که دین از دنیا رفت. این تفکراتی که امروز می بینید بعضی

۱- . ۱۹/۷/۸۷.

از تازه رسیده های به میدان فکر و اندیشه و سیاست بر زبان جاری می کنند، این ها حرف های قرن نوزدهمیِ فیلسوفان و سیاستمداران اروپاست.

آن ها خیال می کردند که دین تمام شد! تجربهٔ آن ها این را نشان می داد که دینِ آلوده به خرافات و آمیخته به تاریکی ها، در مقابلِ هجوم علم، نتوانست طاقت بیاورد؛ ذوب شد؛ از بین رفت. این ها تصور کردند که دین در میان بشر، هر جا هست، مثل همان چیزی است که آن ها نمونه اش را در اروپا و در غرب داشتند؛ آن نوع از مسیحیت، آن نوع از دین داری، آن تعصّبات و درعین حال، در لابه لای همان تعصّبات، فسادهای فراوان! خیال کردند که دین از بین رفت و مسئلهٔ دین، در دنیا، به کلّی حل شد؛ شروع کردند به خیالِ خودشان گوشه و کنارها را درست و مرتّب کردند؛ از آن اعماق و زوایای بشر، بقای دین را از بین بردند.

امروزه، شما ملاحظه می کنید که انگیزهٔ دینی، توجه به دین، توجه به معنویت، به خصوص توجه به آن بخشِ مشترک و خالص دین، یعنی آن جنبهٔ معنوی و دلدادگی به معنویت، دنیا

را پُر کرده است و روزبه روز هم، بیشتر می شود.

البته در جاهایی، متأسفانه، چون پایه های فکری و دینیِ درستی ندارنـد، این احساس عرفانی، یک احساس سطحی است که اگر پایـهٔ درست اعتقادی و فکریِ آن چنانی که در اسلام وجود دارد، با آن همراه شود، یک احساس فوق العاده ذی قیمت و والاست.(۱)

۴-۲ خرافه گرایی بعد از غدیر خُم

مسئلهٔ غدیر یک مسئلهٔ تاریخیِ صِرف نیست؛ نشانه ای از جامعیت اسلام است. اگر نبیّ مکرم که در طول ده سال، یک جامعهٔ بدویِ آلوده به تعصّبات و خرافات را با آن مجاهدت های عظیمی که آن بزرگوار انجام داد و به کمک اصحابِ باوفایش به یک جامعهٔ مترقّیِ اسلامی تبدیل کرد، برای بعد از این ده

ص:۱۶

۱- ۱۹/ ۷ /۸۷.

سال، فکری نکرده بود و نقشه ای در اختیار امّت نگذاشته بود، این کار ناتمام بود.

رسوبات تعصّبات جاهلی به قدری عمیق بود که شاید برای زدودن آن ها، سال های بسیار طولانی نیاز بود. ظواهر، خوب بود. ایمان مردم، ایمان خوبی بود؛ البته همه در یک سطح نبودند، زیرا بعضی در زمان وفات پیغمبر اکرم یک سال بود، شش ماه بود، دو سال بود که اسلام آورده بودند؛ آن هم هِیمنهٔ قدرت نظامی پیغمبر همراه با جاذبه های اسلام، این ها را به اسلام کشانده بود. همه که جزوِ آن مسلمانان عمیقِ دوران اول نبودند. برای پاک کردن رسوبات جاهلی از اعماق این جامعه و مستقیم نگه داشتنِ خط هدایت اسلامی بعد از ده سال زمان حیات پیغمبر، تدبیری لازم بود. اگر این تدبیر انجام نمی شد، کار ناتمام بود.

اینکه در سورهٔ مائده، می فرماید:)الْیوْمَ أَکمَلْتُ لَکمْ دِینَکمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیکمْ نِعْمَتِی(،(۱) تصریح به

ص:۱۷

۱- . مائده/۳.

همین معناست که این نعمت، [یعنی] نعمت اسلام، نعمت هدایت، نعمت نشان دادنِ صراط مستقیم به جامعهٔ بشریت، آن وقتی تمام و کامل می شد که نقشهٔ راه برای بعد از پیغمبر هم معیّن باشد. این یک امر طبیعی است.

این کـار را پیغمبر در غـدیر انجـام دادنـد: امیرالمؤمنین را که از لحـاظ شخصـیت، چه شخصـیت ایمـانی، چه شخصـیت اخلاقی، چه شخصـیت انقلابی و نظـامی و چه شخصـیت رفتـاری بـا قشـرهای مختلف افراد، فردی ممتاز و منحصـربه فرد بود، منصوب کرده و مردم را به تبعیت از او موظف کردند. این هم فکر پیغمبر نبود: این، هدایت الهی بود، دسـتور الهی بود، نصب الهی بود؛ مثل بقیهٔ سخنان و هدایت های نبیّ مکرّم که همه، الهام الهی بود. این دستور صریح پروردگارU به پیغمبر اکرم بود؛ پیغمبر اکرم هم این دستور را عمل کردند.

مسـئلهٔ غـدیر این است؛ یعنی نشان دهنـدهٔ جامعیت اسـلام و نگاه به آینـده و آن چیزی که در هـدایت و زعامت امّت اسـلامی شـرط است. آن چیست؟ همان چیزهایی که شخصیت

امیرالمؤمنین، مظهر آن هاست: یعنی تقوا، تـدیّن، پایبنـدیِ مطلق به دین، ملاحظـهٔ غیر خدا و غیر راه حق را نکردن، بی پروا در راه خدا حرکت کردن، برخورداری از علم، برخورداری از عقل و تدبیر و برخورداری از قدرت عزم و اراده.

این یـک عمـلِ واقعی و درعین حـال، نمـادین است. امیرالمؤمنین را بـا همین خصوصـیات نصب کردنـد؛ درعین حـال، این نمـاد زعـامت امّت اسـلامی در طول عمر اسـلام، هرچه که بشود، همین عمل است؛ یعنی نماد زعامت و رهبری اسـلام در طول زمان همین است، همان چیزی که در انتخاب الهی امیرالمؤمنین تحقق پیدا کرد. غدیر، یک چنین حقیقتی است.(۱)

ص:۱۹

۱- . ۱۸/۱۰/۸۵.

تصویر



ص:۲۰

۳. خرافه زدایی در آینهٔ قرآن و عترت

۱–۳ قرآن کریم و مبارزه با خرافه

تصویر

۳. خرافه‌زدایی در آینهٔ قرآن و عترت

ص:۲۱

ما خیال می کنیم اگر با یک مطلبی که موردِ عقیدهٔ مردم است، ولی... خلاف واقع است، مقاومت کنیم، برخلاف شأن روحانی عمل کرده ایم. نه! شأن روحانی این است. همین آیهٔ)الَّذِینَ یبَلِّغُونَ رِسالاتِ اللَّهِ وَ یخْشَوْنَهُ، وَ لا یخْشَوْنَ أَحَداً الَّا اللَّهَ، وَ کفی بِاللَّهِ حَسِیباً((۱) برای چه چیزی است؟ این آیه مربوط به مبارزه با خرافه است.

)وَ اذْ تَقُولُ لِلَّذِی أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَیهِ أَمْسِک عَلَیک زَوْجَک.((۲) این مربوط به قضیهٔ زید است؛)فَلَمَّا قَضی زَید((۳) راجع به یک خرافه است: زید زینب را طلاق داد، پیامبر زنِ پسرخواندهٔ خود را خواستگاری کرد یا گرفت و این، درحالی بود که زنِ پسرخوانده را مثل زنِ فرزند می دانستند: خرافه ای بر حسب سنّت های قدیم جاهلی. مسلمان ها هم در همان

۱- . احزاب/۳۹.

۲- . احزاب/۳۷.

۳- . همان.

فکرها بودند که زنِ پسرخوانده را نمی توان گرفت. پیغمبر زنِ پسرخواندهٔ خودش را گرفت. اینکه می گوید:)الَّذِینَ یبَلِّغُونَ رِسالاتِ اللَّهِ(در این قضیه وارد شده است. مبارزه با خرافه آن قدر مهم است. در مبارزه با خرافات، شجاع باشید.

۲-۳ پیامبر اکرم و مبارزه با خرافه

این مولود مبارک و این پیام آور الهی، برای نجات بشریت پا به عرصهٔ وجود گذاشت. اینکه در آثار و تواریخ هست که کنگرهٔ کاخ کسری شکست و نشانه های بت پرستی و شِرک، در گوشه وکنار دنیا، متزلزل شد، اگر این آثار قطعیت داشته باشد، شاید همان قدرت نمایيِ الهی است، برای اِعلامِ رمزیِ حضور این قدرتی که قرار است همهٔ پایه های ظلم و فساد را در هم بشکند و علم را از خرافه و تمدن را از فساد و ظلم، پاک و آراسته کند. این کار را پیغمبر بزرگوار ما کرد.

این مولود مقدس، در هنگام بعثت بزرگ خود، با چنان دنیایی [خرافه زده] روبه رو شد و با جهادی بسیار دشوار، انسانیت را از جهل، از خرافات، از فساد، از ظلم، از تعصّبات

ص:۲۳

دودمان برانداز، از زورگوییِ انسان ها به یکدیگر و ستم انسان ها و سوار شدنِ آن ها بر دوش یکدیگر، [رهانید و از آن امور] جلوگیری کرد. اصلاً بساط بشریت را دگرگون کرد.(1)

۳-۳ حضرت امیرالمؤمنین و مبارزه با خرافه

این، آن علیِ درخشان تاریخ است: خورشیدی که قرن ها درخشیده و روز به روز درخشان تر شده است. این بزرگوار، هر جا که گوهر انسانیِ وجودش لازم بود، حضور داشت؛ ولو هیچ کس نبود. می فرمود: «لَا تَسْتَوْحِشُوا فِی طَرِیقِ الْهُدَی لِقِلَّه أَهْلِه». (= اگر در اقلیت اید و همه یا اکثریت مردم دنیا با شما بدند و راهتان را قبول ندارند، وحشت نکنید و از راه برنگردید.)

وقتی راه درست را تشخیص دادید، با همهٔ وجود آن را بپیمایید. این منطق امیرالمؤمنین بود؛ منطقی شجاعانه که آن را در زندگیِ خود به کار بست. در حکومت خود هم که کمتر از

۱- ۱/۶/۷۲ .

پنج سال طول کشید، باز، همین منطق امیرالمؤمنین وجود داشت. هر چه نگاه می کنید، شجاعت است.

از روز دوم بیعت بـا امیرالمؤمنین، این بزرگوار دربـارهٔ اموالی که قبل از ایشان به این وآن داده شـده بود، فرمود: «وَ اللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تزوِّجَ بِهِ النِّسَاءُ وَ مُلِكَ بِهِ الْإِمَاءُ...» (= به خدا اگر ببینم املاکی را که قبل از من، به ناحق، کسانی به شـما داده اند و مهریهٔ زنانتان قرار داده اید یا با پولِ فروش آن، کنیز خریده اید، ملاحظه نمی کنم و همهٔ آن ها را برمی گردانم.)

آن گـاه شـروع به اقـدام کرد و آن دشـمنی هـا به وجود آمـد. شـجاعت، از این بالاـتر؟ در مقابل لجوج ترین افراد، شـجاعانه ایسـتاد. در مقابل کسانی که در جامعهٔ اسلامی نام ونشانی داشتند، شجاعانه ایستاد. در مقابل ثروت انباشته شده در شام که می توانست ده ها هزار سربازِ جنگجو را در مقابلِ او به صف

آرایی وادار کند، شـجاعانه ایسـتاد. وقتی راه خدا را تشـخیص داد، ملاحظهٔ احدی را نکـرد. این شـجاعت است. در مقابلِ خویشاوندان خود نیز ملاحظه نکرد.

ص:۲۵

گفتن این حرف ها آسان است؛ اما عمل کردن به آن ها بسیار سخت و عظیم است. زمانی، ما این مطالب را به عنوان سرمشق های زندگی علی بیان می کردیم و باید حقیقت قضیه را اعتراف کنم که درست به عمق این مطلب پِی نمی بردیم. اما امروز که وظیفهٔ حسّاس ادارهٔ جامعهٔ اسلامی در دستِ امثالِ بنده است و با این مطالب آشناییم، می فهمیم که چقدر علی بزرگ بوده است.

عزیزان من، برادران و خواهران نمازگزارِ مؤمن، اگرچه این مطالب را من بیشتر برای خودم و برای کسانی که دستی در کارها دارند و مثل خودِ ما، دوششان زیرِ بار بخشی از ادارهٔ جامعهٔ اسلامی است، می گویم؛ اما، مربوط به همه است و فقط مربوط به قشر یا جماعت خاصی نیست. امیرالمؤمنینی که توانست کاری کند که میلیون ها انسان، اسلام و حقیقت را به برکتِ شخصیت او بشناسند، این گونه زندگی کرد.

امیرالمؤمنینی که نزدیک به صد سال بر روی منبرها، او را لعن و همه جای دنیای اسلام،

ص:۲۶

علیهِ او بـد گویی کردنـد؛ آن یگـانه ای که هزاران حـدیثِ جعلی علیه او و حرف هـایش ساختنـد و به بازار افکار عرضه کردنـد؛ چنین بود که توانست بعد از گذشت این سال های طولانی، خود را از زیرِ بار اوهام و خرافات بیرون آورَد و قامت رسایش را در مقابل تاریخ، نگه دارد.

گوهری مثل علی است که می مانَد. خار و خاشاک و زباله و گِل و لای، او را آلوده نمی کند و جوهرش را نمی کاهد. اگر قطعه ای الماس را در گِل هم بیندازند، الماس است و بالاخره، خود را نشان خواهد داد. باید این چنین جوهر پیدا کرد هر فرد مسلمانی باید این مشعل عظیم را بر بالای قلّهٔ حیات ببیند و به سمتِ آن حرکت کند. (۱)

۱- . ۱۷/۱۱/۷۴.

تصویر



ص:۲۸

۴. انواع اصلیِ خرافه گرایی

۴-۱ خرافه گرایی در ایام محرّم و عزاداری ها

۴-۱-۱ خرافهٔ قفل زدن به بدن

تصویر



بنده خیلی متأسفم که بگویم در این سه چهار سال اخیر، برخی کارها در ارتباط با مراسم عزاداریِ ماه محرّم دیده شده است که دست هایی به غلط، آن را در جامعهٔ ما ترویج کرده اند. کارهایی را باب می کنند و رواج می دهند که هر کس ناظرِ آن باشد، برایش سؤال به وجود می آید.

برای مثال، در قدیم الایام، بین طبقهٔ عوام الناس معمول بود که در روزهای عزاداری، به بدن خودشان قفل می زدند. البته پس از مدتی، بزرگان و علما آن را منع کردند و این رسم غلط بر افتاد. اما باز، مجدداً شروع به ترویج این رسم کرده اند و شنیدم که بعضی

افراد، در گوشه و کنار این کشور، به بدن خودشان قفل می زنند. این چه کار غلطی است که بعضی افراد انجام می دهند؟!(۱)

۲-۱-۴ خرافات در روضه خوانی

عاشورا و ماجرای حسین بن علی بایـد در منبر، به شـکل سنّتی، روضه خوانی شود؛ اما نه برای سنّت گرایی، بلکه از طریق واقعه خوانی: یعنی اینکه شب عاشورا این طور شد، روز عاشورا این طور شد، صبح عاشورا این طور شد.

شما ببینید، یک حادثهٔ بزرگ به مرور از بین می رود؛ اما حادثهٔ عاشورا، به برکتِ همین خواندن ها، با جزئیاتش باقی مانده است. فلان کس این طوری آمد با امام حسین وداع کرد؛ این طوری رفت به میدان؛ این طوری جنگید؛ این طوری شهید شد و این کلمات را بر زبان جاری کرد.

واقعه خوانی، تا حدّ ممکن، باید مُتقَن باشد. مثلاً، در حدود لهوف ابن طاووس و ارشاد

۱- ۱۷/۳/۷۳.

مفید و امثال این ها، و نه چیزهای مَن درآوردی، واقعه خوانی و روضه خوانی شود. در خلال روضه خوانی، سخنرانی، مداحی، شعرهای مصیبت، خواندنِ نوحه، سینه زنی و در خلال سخنرانی های آموزنده، ماجرا و هدف امام حسین، یعنی همان هدفی که در کلمات خودِ آن بزرگوار هست که «وَ انِّی لَمْ أَخْرُجْ أَشِراً وَ لَا بَطِراً وَ لَا مُفْسِداً وَ لَا ظَالِماً وَ انَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْاصْلَاحِ فِی أُمَّهِ جَدِّی» بیان شود. این، یک سرفصل است.

عباراتی از قبیلِ: «ایّها النّاس انّ رسول اللَّه قال: من رأی سلطانا جائرا مستحلا لحرام اللَّه، ناکثا عهده، مخالفا لسنه رسول اللَّه، یعمل فی عباد اللَّه بالاثم و العدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول، کان حقا علی اللَّه ان یدخله مدخله‹ (۱)

۱- . (= هان! ای مردم، پیامبر خدا فرمود: هر کس زمامدارِ بیدادپیشه و قانون شکنی را نظاره کند که حرام خدا را حلال و روا می سازد و عهد و پیمان او را می شکند و با سبک و روش عادلانه و بشردوستانهٔ پیامبر خدا مخالفت می ورزد... و با این وصف، در برابر آن عنصرِ خودکامه و قانون گریز، با گفتار و عملکردش به مخالفت برنخیزد و در راهِ اصلاح جامعه و حکومت، خود را به هر آب و آتش نزند، بر خداست که او را از همان راهی که آن بیدادپیشه را به دوزخ درمی آورد، به دوزخ درآورد.)

و «مَنْ کـانَ فِینَا بَاذِلًا مُهْجَتَهُ، مُوَطِّناً عَلَی لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْیَرْحَلْ مَعَنَا»(۱) هر کدام، سرفصل یک درسِ هستند. بحث [در اینجا] لقاءالله و ملاقات با خداست.

هـدف آفرینش بشـر و هـدفِ «انَّک کادِحٌ الی رَبِّک کدْحا»(۲) [یعنی هـدفِ] همـۀ این تلاش هـا و زحمت ها، این است که «فَمُلاقیهِ» [یعنی] ملاقات کند. اگر کسـی موطِن در لقاءالله است و بر لقاءالله توطینِ نفْس کرده است، «فَلْیَرْحَلْ مَعَنَا»، باید با حسین راه بیفتد. نمی شود توی خانه نشـست، نمی شود به دنیا و تمتّعات دنیا چسبیـد و از راه حسـین غافل شـد. باید راه بیفتیم: این راه افتادن از درون و از نفْس ما، با تهذیب نفس شروع می شود و به وسط جامعه و جهان می کشد. این ها باید [در سخنرانی ها] بیان شود.

این ها هدف های امام حسین است. این ها خلاصه گیری ها و جمع بندی های نهضت

ص:۳۳

۱- . (= هر کس حاضر است در راهِ این قیام مقدّس خون خویش را نثار کند، و آماده ملاقات با خداست، با ما حرکت کند.)

۲- . (= حقّاً که تو به سوی پروردگار خود به سختی در تلاشی.) انشقاق/۶.

حسینی است. جمع بندی نهضت حسینی این است که یک روز، امام حسین درحالی که همهٔ دنیا در زیر سیطرهٔ ظلماتِ ظلم و جور پوشیده بود و هیچ کس جرأت نداشت حقیقت را بیان کند [و] فضا و زمین و زمان، سیاهِ ظلمانی بود، قیام کرد.

شما نگاه کنید، ببینید: ابن عباس با امام حسین نیامد. عبدالله بن جعفر با امام حسین نیامد. عزیزان من! معنای این، چیست؟ این نشان نمی دهد که دنیا در چه وضعی بود؟ در چنین وضعیتی، امام حسین تک وتنها بود. البته چند ده نفری دور و برِ آن حضرت ماندند؛ اما اگر نمی ماندند هم، آن حضرت می ایستاد. مگر غیر از این است؟ فرض کنیم شب عاشورا، وقتی حضرت فرمود که «من بیعتم را برداشتم... بروید»، همه می رفتند؛ ابوالفضل و علی اکبر هم می رفتند و حضرت تنها می مانْد. روز عاشورا چه می شد؟ حضرت برمی گشت؟! یا می ایستاد و می جنگید؟

در زمان ما، یک نفر پیدا شد که گفت: «اگر من تنها بمانم و همهٔ دنیا در مقابلِ من باشند،

ص:۳۴

از راهم برنمی گردم.» آن شخص، امام ما بود که عمل کرد و راست گفت. «صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللّه.»(۱) لقلقهٔ زبان را که خوب، همه داریم. دیدید، یک انسان حسینی و عاشورایی چه کرد؟ خوب؛ اگر همهٔ ما

عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع [خواهد بود] و زمینهٔ ظهور ولیّ مطلقِ حق، فراهم خواهد شد. باید این مفهوم برای مردم بیان شود. فراموش نکنید که هدف امام حسین بیان شود.

حالا ـ ممکن است انسان یک حدیث اخلاقی هم، به فرض، بخواند یا سیاست کشور یا دنیا را تشریح کند. این ها لازم است؛ اما در خلال سخن، حتماً طوری صحبت شود که تصریحاً، تلویحاً، مستقلاً و ضمناً، ماجرای عاشورا تبیین شود و مکتوم و مخفی نماند.

مطلب دوم اینکه از این فرصت استفاده شود و همان طور که خودِ حسین بن علی

۱- . (= به آنچه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند.) احزاب/۲۳.

به برکت جهادش، اسلام را زنده کرد، (اسلام، در حقیقت، زنده شده و آزادشدهٔ خون و قیام حسین بن علی است)، امروز هم شما به انگیزهٔ یاد و نام و منبرِ آن بزرگوار، حقایق اسلامی را بیان کنید: قرآن و حدیث را معرفی کنید؛ نهج البلاغه را برای مردم بخوانید؛ حقایق اسلامی، ازجمله همین حقیقت مبارکی را که امروز در حکومت حق، یعنی نظام علوی، ولایی و نبویِ جمهوری اسلامی تجسّد پیدا کرده است، برای مردم بیان کنید. این، جزوِ بالاترین معارف اسلامی است. خیال نکنند که می شود اسلام را تبیین کرد و از حاکمیت اسلام که امروزه در این مرزوبوم متجسّد شده است، غافل ماند و آن را مغفولٌ عنه گذاشت. این توصیهٔ ما به شما عزیزان است.

بحمدالله، همهٔ برکات در وجود آقایان محترم، بزرگان، به خصوص طلّاب جوانِ پُرشور، مؤمن و فاضل وجود دارد. در روز اول هم که همین طبقه، این نهضت را گسترش دادند و با استفاده از آن حدیث شریف، اصحابِ شأن را به نحل شبیه کردند، این آیه در مقابل چشم

انسـان مجسم می شـد که)وَ أَوْحی رَبُّک الَی النَّحْـلِ أَنِ اتَّخِـذی مِنَ الْجِبالِ بُیوتاً وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا یعْرِشُون؛ ثُمَّ کلی مِنْ کلِّ الثَّمَراتِ فَاسْـلُکی سُبُلَ رَبِّک((۱) حقایق را می مکیدند و عسل ناب را به تشنگانِ حقیقت می دادند که «فیه شفاءٌ للنّاس».

امروز هم، همین است: امروز هم طلّاب، فضـلا و مبلّغین جوان، بـا بهره گیری از تجربه هـای اساتیـد و بزرگـانِ این فنون، کوله بار خودشان را محکم کننـد و به امیـد خـدا، برای خدا، در راه خدا و با قصد قربت، بروند و این حقایق را در همه جای کشور، در اقطار این کشور و در اقطار عالَم، با زبان مناسب، بیان کنند.(۲)

ص:۳۷

۳-۱-۴ خرافهٔ قَمه زنی

۱- . (=و پروردگـار تو به زنبور عسـل وحی [الهـام غریزی] کرد که از پـاره ای کوه هـا و از برخی درختان و از آنچه داربست [و چفته سازی] می کنند، خانه هایی برای خود درست کن؛ سپس، از همهٔ میوه ها بخور و راه های پروردگارت را فرمان بُردارانه، بپوی.) نحل۶۸ و۶۹.

۲- . ۱۷/۳/۷۳.

قمه زدن هم، از کارهای خلاف است. می دانم، عده ای خواهند گفت: «حق این بود که فلانی اسم قمه را نمی آورْد.» خواهند گفت: «شما به قمه زدن چه کار داشتید؟ عده ای می زنند؛ بگذارید بزنند.» نه! نمی شود در مقابلِ این کار غلط، سکوت کرد.

این خطر بزرگی است در عالَم دین و معارف دینی؛ مرزدارانِ عقیده باید متوجهش باشند. عرض کردم عده ای وقتی این حرف را بشنوند، مطمئناً از روی دلسوزی خواهند گفت: «خوب بود فلانی این حرف را امروز نمی زد.» نه؛ من بایستی این حرف را می زدم. بنده مسئولیتم بیشتر از دیگران است؛ البته آقایان هم باید بزنند؛ شما آقایان هم باید بگویید.

اگر به گونه ای که طی چهارپنج سال اخیر، بعد از جنگ، قمه زدن را ترویج کردند و هنوز هم می کنند، در زمان حیات مبارک امام ترویج می کردند، قطعاً ایشان در مقابلِ این قضیه می ایستادند. کارِ غلطی است که عده ای قمه به دست بگیرند و به سرِ خودشان بزنند و خون بریزند. این کار را می کنند که چه بشود؟ کجای این حرکت، عزاداری است؟!

ص:۳۸

البته، دست بر سر زدن، به نوعی نشانهٔ عزاداری است. شما بارها دیده اید، کسانی که مصیبتی برایشان پیش می آید، بر سر و سینهٔ خود می کوبند. این نشانهٔ عزادارىِ معمولی است. اما شما تابه حال، کجا دیده اید که فردی به سببِ مصیبتِ عزیزترین عزیزانش، با شمشیر بر مغز خود بکوبد و از سرِ خود، خون جاری کند! کجای این کار، عزاداری است؟!

قمه زدن، سنّتی جعلی است؛ از اموری است که مربوط به دین نیست و بی شک، خدا هم از انجام دادنِ آن راضی نیست. من حقیقتاً هر چه فکر کردم، دیدم نمی توانم این مطلب، قمه زدن، را که قطعاً یک خلاف و یک بِدعت است، به اطلاع مردم عزیزمان نرسانم... این کار را نکنند. بنده راضی نیستم.

اگر کسی تظاهر به این معنا کند که بخواهد قمه بزند، من قلباً از او ناراضی ام. این را من جداً عرض می کنم. یک وقت بود در گوشه وکنار، چند نفر دورِ هم جمع می شدند و دور از اَنظار عمومی، مبادرت به قمه زنی می کردند و کارشان، تظاهر، به

این معنا که امروز هست، نبود. کسی هم به خوب و بدِ عملشان کار نداشت؛ چراکه در دایرهٔ محدودی انجام می شد.

اما یک وقت بناست که چند هزار نفر، ناگهان، در خیابانی از خیابان های تهران یا قم یا شهرهای آذربایجان یا شهرهای خراسان، ظاهر شوند و با قمه و شمشیر، بر سرِ خودشان ضربه وارد کنند. این کار، قطعاً خلاف است. امام حسین به این معنا راضی نیست. من نمی دانم کدام سلیقه هایی و از کجا، این بدعت های عجیب و خلاف را وارد جوامع اسلامی و جامعهٔ انقلابیِ ما می کنند.(۱)

ص:۴۰

۲-۴ خرافه گرایی در زیارت معصومین

۱- . ۱۷/۳/۷۳.

اخیراً، یک بـدعت عجیب وغریب و نامأنوسِ دیگر هم در باب زیارت، درست کرده انـد! بـدین ترتیب که وقتی می خواهند قبور مطهر ائمه را زیارت کنند، از درِ صحن که وارد می شوند، روی زمین می خوابند و سینه خیز خود را به حرم می رسانند!

شمـا می دانیـد که قبر مطهر پیغمبر و قبور مطهر امام حسـین، امام صادق، موسـی بن جعفر، امام رضا و بقیـۀ ائمه را همـۀ مردم، همچنین علما و فقهای بزرگ در مـدینه و عراق و ایران، زیارت می کردنـد. آیا هرگز شـنیده ایـد که یک نفر از ائمه یا علما، وقتی می خواسـتند زیارت کنند، خـود را از درِ صـحن، به طـور سـینه خیز به حرم برساننـد؟! اگر این کـار، مسـتحسن و مسـتحب بـود و مقبول و خوب می نمود، بزرگـان مـا به انجامش مُبادرت می کردند؛ اما نکردند.

حتی نقل شد که مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی، آن عالم بزرگ و مجتهد

قوی و عمیق و روشنفکر، عتبه بوسی را با اینکه شاید مستحب باشد، منع می کرد. احتمالاً، استحباب بوسیدنِ عتبه، در روایت وارد شده است. در کتب دعا که هست. به ذهنم این است که

برای عتبه بوسی، روایت هم وجود دارد. با اینکه این کار مستحب است، ایشان می گفتند: «انجامش ندهید، تا مبادا دشمنان خیال کنند سجده می کنیم.»

اما امروز، وقتی عده ای وارد صحن مطهر علی بن موسی الرضا می شوند، خود را به زمین می اندازند و دویست متر راه را به طور سینه خیز می پیمایند تا خود را به حرم برسانند! آیا این کارِ درستی است؟! نه؛ این کار، غلط است. اصلاً اهانت به دین و زیارت است. چه کسی چنین بدعت هایی را بین مردم رواج می دهد؟ نکند این هم کار دشمن باشد؟! این ها را به مردم بگویید و ذهن ها را روشن کنید.(1)

۵. آثار مخرّب خرافه گرایی

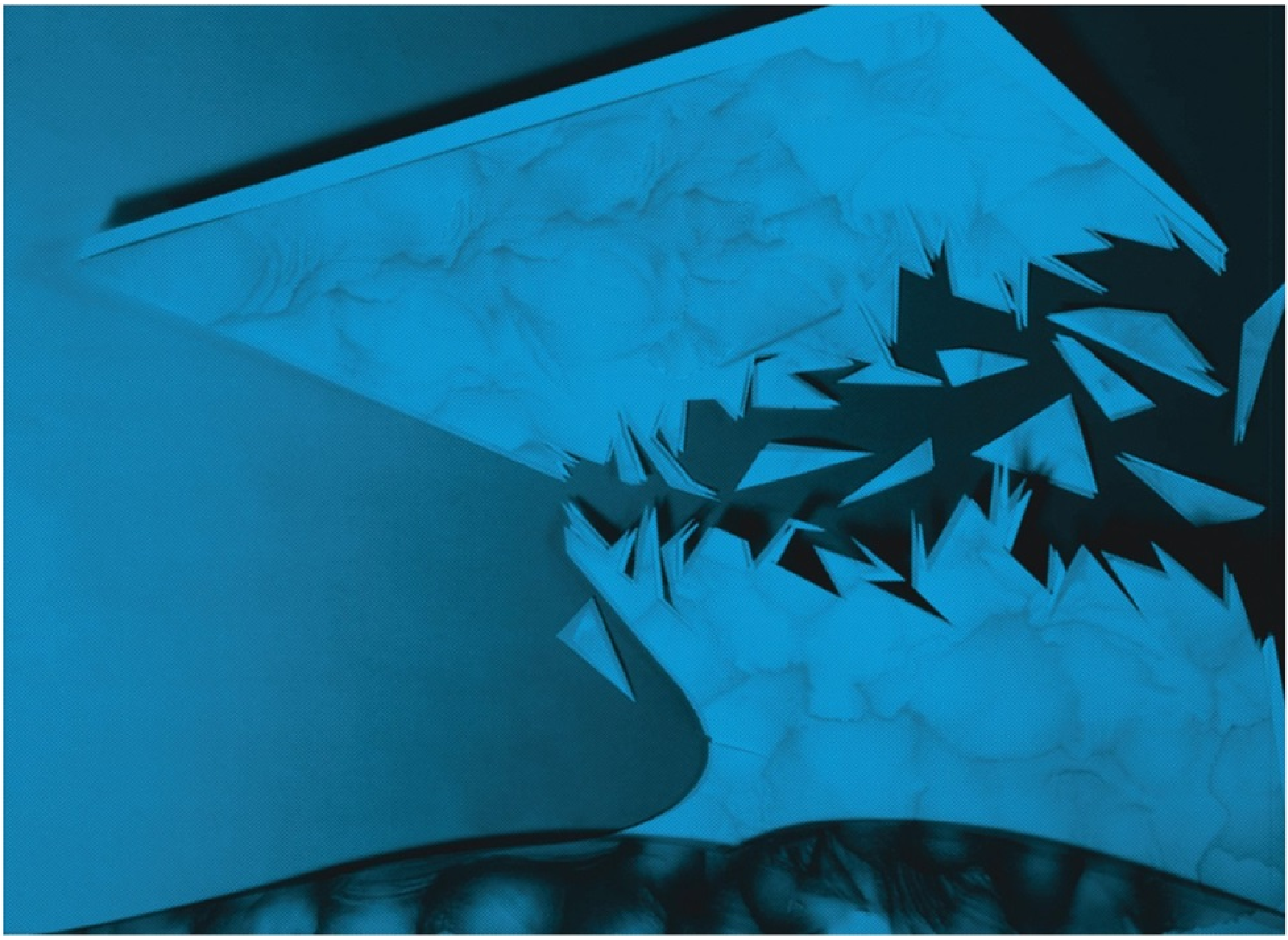
۵-۱ خرافه گرایی و ترویج سنّت های غلط

۱- ۱۷/۳/۷۳ .

تصویر

۵. آثار مخرّب خرافه‌گرایی

تصویر



ص:۴۴

در دوران حاکمیت اسلام، وجود خرافات و زوایدِ اسلام پذیرفتنی نیست؛ بنابراین، برادران عرب، بختیاری و لُر هر کدام باید عادات و روش های غلطِ گذشته را دربارهٔ زنان کنار بگذارند تا خواهران ما در خوزستان بتوانند در میدان های اجتماعی وارد شوند و تحصیلِ علم و معرفت کنند.

۵-۲ خرافه گرایی و ترویج اسلامِ امریکایی

اسلام امریکایی، اسلام متحجّرانه و آمیخته به خرافات یا اسلامِ تطبیق داده شده با اصول امریکایی و مدنظر غربی هاست و امّت اسلامی تنها با تمسّك به اسلام ناب محمدی که اسلامِ توحید و وحدت مسلمانان و اسلامِ ایستادگی در مقابلِ مستکبران است، آینده ای روشن و درخشان خواهد داشت.(۱)

۵-۳ خرافه گرایی؛ سدّ راه سازندگی جامعه

با تنبلی، بی حالی، اظهار ذلّت،

ص:۴۵

۱- . ۲۹/۳/۷۳.

ضعف و ناتوانی و پایبندی به خرافات و بی اعتنایی به ارزش های والای اسلامی، نمی توان یک کشور را بر طبق خواستهٔ خداوند و فرهنگ قرآنی تجدیدِ بنا کرد؛ ولی، خدا را شکرگزاریم که امکانات فراوانِ طبیعی، زمین های حاصل خیز، آب و هوای مناسب، استعدادهای انسانی و طبیعی و هدایت صحیح مسئولان، این امکان را فراهم کرده است که ملت ایران بتواند عقب افتادگی هایِ ناشی از دوران سیاهِ حاکمیت ستمشاهی بر این کشور را جبران کند و این همه، در خورِ تمجید و ستایش است.

۴-۵ خرافه گرایی و جدال با دینِ استدلالی

هر ذهن سالم صحیح و اهل فهم و استدلال که در مقابلِ منطق اسلام قرار گیرد، تسلیم و خاضع می شود و امروزه، با وجود مخالفت ها و مبارزاتی که با هر وسیلهٔ ممکن، علیهِ اسلام ناب در جریان است، دین مبین اسلام به سببِ اتّکای آن به منطق و استدلال، در امریکا، افریقا و شرق دور، رو به توسعه و گسترش است.

ص:۴۶

بنابراین، اسلام در بطن خود، عقاید و احکامی دارد که هر انسان سلیم الطبعی را جذب و به خود، معتقد می کند.

هر جا که خرافات به نام دین به میان بیاید، دینِ خالص بدنام خواهد شد و کسانی که خرافات را به نام اسلام بیان کنند، بزرگ ترین دشمنی را با دین خدا ابراز کرده اند و بر همین اساس، علما و متفکرینِ دینی و عشّاق گسترش دین مبین اسلام، باید توجه کنند که اسلام و مکتب اهل بیت همیشه با منطق و استدلال همراه است.

۵-۵ خرافه گرایی و طغیان سیاسی جهان

جهل، عادات زشت، خلقیات بد، فتنه های میان جوامع مختلف، ظلم و طغیان و نیز خرافاتِ حاکم بر اذهان بشر که موجب انحراف انسان ها از راه مستقیم می شود، ظلماتی هستند که اسلام و پیام بعثت، انسان ها را از همهٔ این ظلمات، خارج و به نوری که در مقابلِ آن است، هدایت و دلالت می کند و این همان مفهومی است که در آیات متعدد قرآن کریم، به عنوان تحول در زندگیِ انسان ها از لحاظ فردی و اجتماعی

و هدف گیری، مورد تأکید قرار گرفته است.

گرفتاری های امروز بشر و طغیان های سیاسیِ جهان، به ریشه های اخلاقی و نیز جهالتِ توده های مردم مربوط می شود و این چیزی است که تنها، اسلام قادر به برطرف کردنِ آن است.(۱)

۶-۵ خرافه گرایی و گرفتاریِ ملت اسلام

اسلام به ملت ها استقلال و آزادی می دهد: هم آزادی در محیط زندگیِ خودشان، آزادی از قدرت های دیکتاتور و مستبد، آزادی از خرافات و جهالت ها، آزادی از تعصّب های جاهلانه و کج فکری ها و هم آزادی از کمند قدرت اقتصادی و فشار سیاسیِ استکبار. اسلام به ملت ها رفاه و پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی هم می دهد.

آن پیشرفت اقتصادی که فاصلهٔ بین طبقات مردم را زیاد کند، مدنظر اسلام نیست. آن

۱- . ۷/۹/۷۶.

نسخهٔ اقتصادی که امروز، کشور های غربی برای مردم دنیا می پیچند و ارائه می دهند که طبقاتی را مرفّه می کند و رونق اقتصادی را بالا می برد و به قیمتِ ضعیف شدن و فقیرشدن و زیرِ فشار قرارگرفتنِ طبقاتی از جامعه تمام می شود، این را اسلام نمی پسندد. رفاهِ اقتصادی همراه با عدالت، همراه با روح مُواسات و همراه با روح برادری، باز در سایهٔ اسلام به دست می آید.

امروز، گرفتاری های ملت های مسلمان در دنیا چیست؟ وجود قدرت های مُسیْطِر و مستکبری است که از آن سویِ دنیا بر ملت های مسلمان حکم می رانند؛ در زندگیِ آن ها دخالت می کنند؛ آن ها را در فقر و ضعف و اختلاف نگه می دارند و از ثروت های آن ها به شکل نامشروعی استفاده می کنند.

نداشتن استقلال، نداشتن آزادی، نداشتن حیثیت انسانی، عقب ماندگیِ علمی و عقب ماندگی در شئون زندگی، از دیگر گرفتاری های ملت های مسلمان است. همهٔ این

ص:۴۹

گرفتاری ها به برکتِ بازگشت به اسلام، به برکت عمل به اسلام و به برکت حاکمیت اسلام برطرف می شود.(۱)

ص:۵۰

۶. ادعاهای شرم آور

۱- . ۱۳/۲/۸۳.

تصویر



البته، مثل همهٔ حقایقی که در برهه های مختلفی از زمان، ملعبهٔ دستِ سودجویان می شود، این حقیقت هم گاهی ملعبهٔ دست سودجویان می شود؛ این کسانی که ادعاهای خلاف واقع می کنند: ادعای رؤیت، ادعای تشرّف، حتی به صورت کاملاً خرافی، ادعای اقتدای به آن حضرت در نماز و... که حقیقتاً ادعاهای شرم آوری است، این ها همان پیرایه های باطلی است که این حقیقتِ روشن را در چشم و دلِ انسان های پاک نهاد، ممکن است مُشَوّب کند.

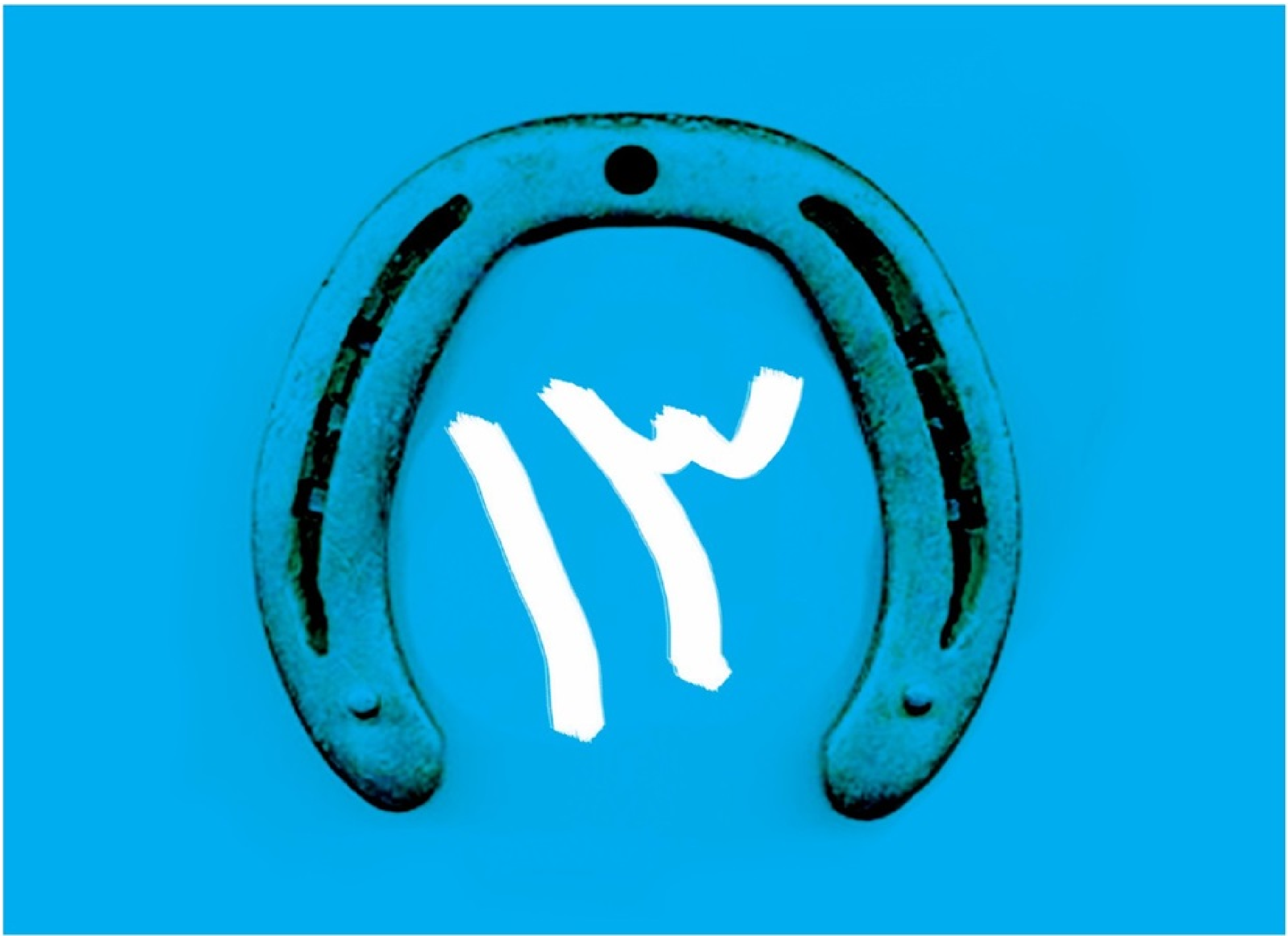
نباید گذاشت... همهٔ آحاد مردم توجه داشته باشند که این ادعاهای اتّصال و ارتباط و تشرّف به حضرت و دستورگرفتن از آن بزرگوار، هیچ کدام تصدیق کردنی نیست. بزرگان ما، برجستگان ما، انسان های با ارزشی که یک لحظهٔ عمرِ آن ها ارزش دارد به روز ها و ماه ها و سال های عمر امثالِ ما، چنین ادعاهایی نکردند. ممکن است انسان سعادتمندی، چشمش و دلش این ظرفیت را پیدا کند که به نور آن جمالِ مبارک روشن شود، اما یک چنین کسی، اهل ادعا نیست؛ اهلِ گفتن نیست؛ اهل دکّان داری نیست. این کسانی که به این وسیله

دکّان داری می کننـد، می توان به طور قطع ویقین گفت که این ها دروغ گو هسـتند؛ مُفتَری هسـتند. این عقیـدهٔ روشن و تابناک را بایستی از این آفتِ اعتقادی دور نگه داشت.(۱)

ص:۵۳

۱- . ۲۷/۵/۸۷.

تصویر



ص:۵۴

۷. خرافه زدایی در تاریخ شیعه

۷-۱ متکلّمین و خرافه زدایی

تصویر



دین، منطقی است؛ اسلام، منطقی است و منطقی ترین بخش اسلام، تفسیری است که شیعه از اسلام دارد: تفسیری قوی. متکلّمین شیعه، هر یک در زمان خود، مثل خورشید تابناکی می درخشیدند و کسی نمی توانست به آن ها بگوید: «شما منطقتان ضعیف است.»

این متکلّمین چه از زمان ائمه، مثل مؤمن طاق و هشام بن حکم، چه بعد از ائمه، مثل بنی نوبخت و شیخ مفید و چه در زمان های بعد، مثل مرحوم علامه حلّی، فراوان بوده اند. ما اهل منطق و استدلالیم. شما ببینید، دربارهٔ مباحث مربوط به شیعه، چه کُتُب استدلالیِ قوی ای نوشته شده است: کتاب های مرحوم علامه حلّی فراوان بوده اند؛ کتاب های مرحوم شرف الدین و نیز الغدیر مرحوم علامه امینی در زمان ما، سر تا پا مستدل، بتون آرمه و مستحکم است.

تشیّع این است یا مطالب و موضوعاتی که نه فقط استدلال ندارد، بلکه «اشبهُ شیء بِالخُرافه»

است؟ چرا این ها را وارد می کنند؟(۱)

۲–۷ روش علمای سلَف در مبارزه با خرافه گرایی

در کنار ترویج و تبلیغِ معارف اصیل اسلام ناب، باید با خرافه مبارزه کرد. روزبه روز، کسانی دارند خرافات جدیدی وارد جامعهٔ ما می کنند؛ مبارزه با خرافه را جدّی بگیرید. این روشِ علمای ما بوده است.

مرحوم آقاجمال خوانساری، محشّی شرح لمعه، عالم بزرگ، پسر مرحوم آقاحسین خوانساری که از علما و شایستگانِ تاریخ روحانیت شیعه اند، ۳۰۰سال پیش برای اینکه خرافات را برملا کند، کتاب کلثوم ننه را نوشت. الان هست؛ اخیراً، چاپ شده است. با زبان طنز، معروف ترین خرافاتِ زمان خویش را در آورده و به زبانِ زنان می گوید: زنان پنج فقیهِ بزرگ دارند: یکی کلثوم ننه است، یکی بی بی شاه زینب است، یکی دَدِه بزم آراست... . از قول

ص:۵۷

۱- ۱۷/۳/۷۳.

این هـا، نقـل می کنـد درباب مَحرم و نـامَحرم، درباب طهـارت و نجـاست، درباب انـواع و اقسـام چیزهـا، یعنی عـالِم دینی می پردازد به این چیزها.(۱)

۷-۳ امام خمینی و خرافه زدایی از فرهنگ اسلامی

امـام بزرگوار، خـط شـکنی بود که هرجـا انحرافی در نکته ای مشاهـده می کرد، بـا قـدرت و بـدون هیـچ ملاحظه ای، بیان می فرمود. اگر این بدعت ها و خلاف ها در زمانِ آن بزرگوار می بود یا به این رواج می رسـید، بی شک می گفت. البته، عده ای هم که به این مسائل، دل بسته انـد، متأذّی خواهنـد شـد که چرا فلانی به موضوع موردعلاقهٔ ما، این طور بی محبتی کرد و با این لحن، از آن یاد نمود. آن ها هم البته، اغلب، مردمان مؤمن و بی غرضی هستند؛ اما اشتباه می کنند.(۲)

۷-۴ نقش ممتاز حوزه های علمیهٔ شیعه در خرافه زدایی

روحانیت آگاه و اصیل باید

ص:۵۸

۱- . ۱۸/۷/۸۵.

۲- . ۱۷/۳/۷۳.

بر مبنای سیرهٔ پیامبر و روش علمای اسلام، با این گونه خرافاتِ خطرناک، شجاعانه و بدون ملاحظه مقابله کند. شیعه با آزادفکری و تکیه بر عقل و منطق و استدلال، رشد کرده است و باید قدرِ این ویژگی را دانست و آن را دنبال کرد.(۱)

یکی از مسائل مهم کنونی، جلوگیری از آمیخته شدنِ معارف دین با خرافه است که علما و برجستگان باید با تبیینِ صحیح معارف اهل بیت مانع از رسوخ مسائل خرافی شوند.(۲)

تقویت ارتباط با مردم، افزایش قدرت فهم و تحلیل سیاسی، حفظ قداست روحانیت، سلامت مالی و اخلاقی، زیِّ طلبگی، افزایش مهارت های دینی برای پیروزی در میدان پیکارِ جهانیِ اندیشه ها و مبارزهٔ شجاعانه با خرافات، ازجمله وظایفی است که عمل به آن، موجب

۱- . ۱۷/۷/۸۵.

۲- . ۲۸/۵/۸۶.

حفظ جایگاه بی نظیرِ روحانیت و استمرارِ تاریخی آن خواهد شد.(۱)

علمای سلف، دستشان بسته بود و نمی توانستند بگویند: «این کار، غلط و خلاف است.» امروز، روز حاکمیت اسلام و روز جلوهٔ اسلام است. نبایـد کاری کنیم که جامعهٔ اسـلامیِ برتر، یعنی جامعهٔ محبّ اهل بیت که به نام مقدس ولیّ عصـر، به نام حسـین بن علی و به نام امیر المؤمنین مفتخرند، در نظر مسلمانان و غیرمسلمانانِ عالَم، به عنوان آدم های خرافیِ بی منطق معرفی شوند.

وظیفهٔ بزرگی که [شما] آقایان روحانی و علما، در هر بخش و هرجا که هستید، باید برعهده داشته باشید، همان هاست که عرض شد. مجلس عزای حسین است که باید منشأ معرفت باشد. امیدواریم که خداوند متعال، شما را موفق بدارد. آنچه موجب رضای پروردگار

۱- . ۱۷/۸/۸۵.

است، با قدرت، با شجاعت، با تلاش و با جِدّ و جهد، پیگیری و بیان کنید و إن شاءالله، وظیفهٔ خودتان را به انجام برسانید.(۱)

۵-۷ نقش وُعّاظ و عزاداران در خرافه زدایی

واقعهٔ کربلا در روز عاشورا، فصل عظیمی از تاریخ ماست و مایهٔ اصلی حرکت و نهضت اسلامی و تفکرات صحیح اسلامی محسوب می شود. تفکر انقلابیِ ما مُستند به جایی بود که سراسرِ جهان اسلام را فرا گرفت و این گونه، مردم را وارد میدانِ جهاد فی سبیل الله کرد.

فضـلا، گویندگان و خطبا باید حقایق مربوط به حادثهٔ عظیم عاشورا را که پایهٔ اصـلی انقلاب ماست، به صورتی پیراسـته از خرافات و اضافات، برای مردم بیان کنند.(۲) همهٔ عزاداران، ازجمله گویندگان، وعّاظ و مداحان، باید مراقب باشند که شأن و جایگاه این حقیقت عزیز

۱- . ۱۷/۳/۷۳.

۲- . ۲۰/۴/۷۰.

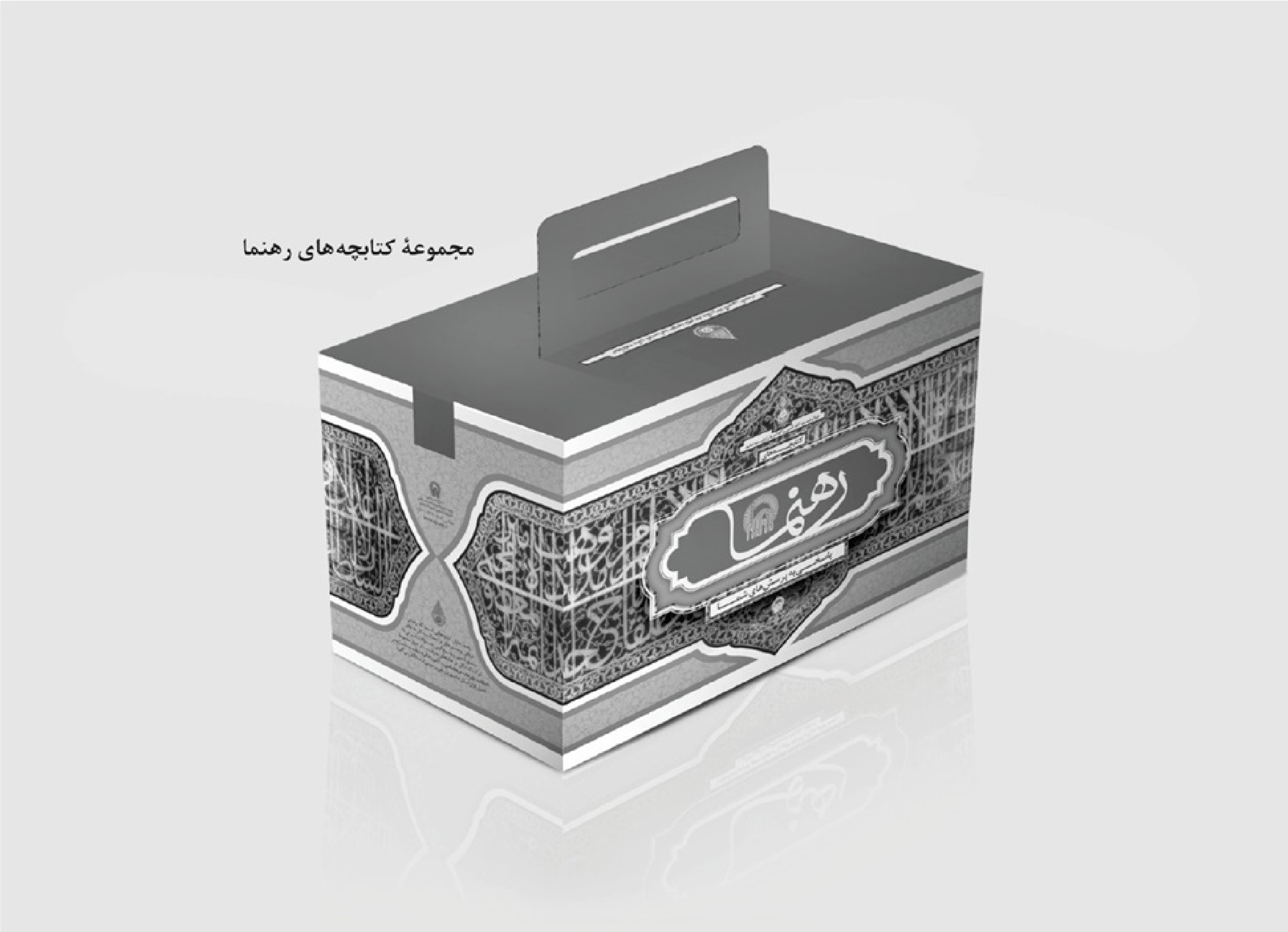
را حفظ کنند و مبادا برخی خرافه ها یا کارهای غیرمعقول، موجبِ ضایع شدن عزاداری امام حسین شود.

مجالس امام حسین بایـد مجالس ضدّ ظلم، ضدّ سلطه و ضدّ یزیدها، شمرها و ابن زیادهای زمان حاضر باشد. جهت گیری در عزاداری های امام حسین باید به سوی تحکیم ایمان و روح تدیّن در مردم، آگاهی بخشی، گسترش روح شجاعت و غیرت دینی و جلوگیری از بی تفاوتی مردم باشد و این معنای واقعیِ بزرگداشتِ قیام امام حسین است.

جنبهٔ عاطفیِ عزاداری امام حسین بر عواطف و احساسات مردم، تأثیرگذار است و جنبهٔ عمقی و معنوی آن، موجب آگاهی بخشی به صاحبان فکر و بصیرت است و امام حسین مظهر بصیرت و استقامت بودند.(۱)

۱- . ۱۹/۱۰/۸۶.

تصویر



تصویر



نسخهٔ دیجیتالی رهنما
مرکز پخش: مشهد مقدس، نبش ورودی باب الجواد علیه‌السلام
فروشگاه عرضهٔ محصولات رضوی
تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹